

پیشوای انقلاب ملل شرق

بدون شک اسم «نریمان نریمانوف» را بسیاری از ایرانیانی که با تاریخ مشروطه آشنایی دارند، شنیده اند. او یکی از مؤثرترین رهبران ایدئولوژیک انقلاب مشروطیت به شمار می رود.

«نریمان» کمیسر اقتصاد در نخستین کابینه دولت شوروی بادکوبه تحت ریاست «شاهومیان» بود. در سال ۱۹۱۸ در تعرض عثمانی به «بادکوبه» و به دنبال آن، اشغال آن شهر به وسیله نیروهای عثمانی، تمام ۲۶ نفر وزیر کابینه به استثنای نریمان که در آن زمان در روسیه به سر می برد، اعدام شدند. اعدام رفقای نریمان، تأثیر عمیقی بر روحیه ی او نهاد. نریمانوف بعد از مدتی در رأس ارده های نهم و یازدهم ارتش سرخ، بعد از درهم شکستن قوای عثمانی وارد «بادکوبه» شد و دولت جدیدی را تحت ریاست خودش تشکیل داد.

نریمان نه فقط عضویت حکومت شوروی ماوراء قفقاز را دارا بود، بلکه کارمند هیئت رئیسه کمیته اجرائیه کل روسیه هم بود. دولت مرکزی شوروی و کمیته ی اجرائیه بین الملل سوم، او را «پیشوای انقلاب ملل شرق» نامیدند.

پس از مرگ لنین و قدرت گرفتن باتد استالین (ارژونیکیزره، ایلیاوا) که اکثراً گرجی بودند، احساسات ملی آنان بر اظهارات بین المللی شان غلبه کرد. این سران گرجی در آسیای میانه، بیش از هر جا به جمهوری گرجستان توجه داشتند و نظرشان این بود که مسلمانان و ارمنی های قفقاز را از هر جهت دست نشاندۀ ی گرجی ها بنمایند. مثلاً در سرشماری سال ۱۹۲۸ مقرر داشتند ۲۵ درصد ارمنی ها و ۱۶

درصد مسلمانان آبخازستان (یکی از استان های قفقاز واقع در کنار دریای سیاه) جزو خاک گرجستان گردد و به این ترتیب اکثریت نام و تمامی از گرجی ها به دست آید. نریمان که از آغاز زندگی با این قبیل تعصبات یک طرفه مخالف بود و دلش می خواست تمام ملل قفقاز از ارمنی، گرجی... برابر باشند، آشکارا شروع به انتقاد به این اقدامات نمود. او به زودی از سوی دستگاه جبار استالینی به عنوان مخالف سیستم قلمداد و به وسیله چکا (پلیس مخفی استالین) دستگیر شد. مدتی بعد، شکنجه گران استالین، پیکر بی جانش را مخفیانه به خاک سپردند. عمال کونسولگری های ایران در خارجه، زورگویی و غارتگری را کنار نگذاشته و زحمتکشانی را که از جو اختناق آور و ستم فئودال های خونخوار به این کشورها تبعید شده بودند را اذیت می کردند. این عمال ضدانسانی که موارد متعددی از آن در اوایل حکومت بلشویک ها در کشورهای آسیای میانه (بخصوص قفقاز) رخ داد، سبب ناراحتی نریمان گردید، او در یکی از سخنرانی هایش به دفاع از این مهاجرین پرداخت و گفت:

"باید عمال کونسولگری تا این اندازه فهمیده باشند و بدانند با کارگران متشکل و مسلح فهمیده ی بادکوبه زورگویی نمی شود کرد. مأمورین کونسولگری باید بدانند که در کشور انقلابی شخصیت و مال و جان و ناموس اشخاص غیرقابل تعرض است."

"این جا هرکسی هر مقامی داشته باشد نمی تواند بطور دلخواه خود به آزادی مردم تعرض بکند. بادکوبه شهر کارگری و انقلابی است؛ دهات «گرمردود» و «مزلقان» نیست که جلا و مال زحمتکشان در اختیار مأمور دولت باشد. اینجا قانون آهنین دوره انقلاب حکومت می کند: که فقط افراد در مقابل آن مسنول هستند. کونسولگری هم باید جلوی مأمورین خود را بگیرد و زشت کاری های آنها را خاتمه دهد. آبروی کشور خود را نزد خودی و بیگانه حفظ کند و بداند که کارگر انقلابی بادکوبه زیر بار ظلم و فشار و تعدی نخواهد رفت. آقایان باید دندان طمع خود را بکشند و سر جای

خود راحت بنشینند تا ژنرال کونسولگری بتواند از قوانین برون مرزی استفاده کرده
از دخالت دیگران مصور بماند."

منابع: شوروی و جنبش جنگل به قلم: گریگوری یقیگیان
اسناد تاریخی به تلاش خسرو شاکری

ترجمه: م. عاصی

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharzarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳